



مقدمه ای بر آسیب شناسی نهضت جنگل

پدیدآورده (ها) : کریمی، بهنام

کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز 1380 - شماره 43

از 110 تا 119

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92334>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی

تاریخ دانلود : 15/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.





مقدمه‌ای بر آسیب شناسی نهضت جنگل

بهنام کریمی

مرکز تحقیقات کمپیوتر علوم سردی

اشاره:

مقاله پیش رو، تلاشی است برای بررسی نهضت جنگل در دوره پانزی آن، یعنی از ورود روس‌های سرخ به گیلان و تشکیل دولت جمهوری تانته‌ای کار نهضت.

در این پژوهش، تلاشی بر این است تا نهضت، از جنبه‌های مختلف، مورد بررسی قرار گیرد. کوشش بر آن است که نشان داده شود که هر پدیده تاریخی در طی روند خود، به کمک عوامل گوناگون ظهور می‌یابد؛ در نتیجه، برای فهم آن، باید از پنجره‌های گوناگون به آن نگریست؛ زیرا که این تعامل، بر ایند علی است که سرنوشته را رقم می‌زند. در این مقاله، نهضت جنگل، از جنبه‌های مختلف بررسی شده و با جمع‌بندی انجام شده در انتهای آن، تلاشی شده است تا نگاه نگارنده از مجموع مباحث مطرح شده، بیان شود.

نگاهی به نهضت جنگل، تا پیوند با روس‌های سرخ و تشکیل جمهوری انقلابی

با افول تدریجی انقلاب مشروطه و نه فدراس رسیدن مجدد مستبدان و عاملان استعمار در قالب مشروطه خواهان، و با افول مجلس مشروطه، حرکت

تحوّل طلب در ایران موقوف نشد، هر چند مشروطه، در برابر دیوارهای سخت قلمرو پادشاهی پابخت، به افول می‌گرایید، اما انرژی آن، در نقاط مختلف ایران به جریان افتاده بود. جنبش‌های منطقه‌ای در طی این دوران، شاهد این مدعا است. از میرزا کوچک خان گرفته تا شیخ محمد خیابانی و کلان محمد، همگی خاں بسیار، در جهت تحقق اهداف مشروطه، دست به کوشش‌هایی زدند.

نهضت‌های منطقه‌ای، ملی (۱)، با افول تدریجی مشروطه شکل گرفت و با ظهور رضاحان، به پایان خود رسید. در این میان، نهضت جنگل، به لحاظ طول زمانی و دستاوردهایش، به طرز برجسته‌ای، از دیگر حرکات قابل تمیز می‌باشد. نهضت جنگل، حرکتی بود سیاسی. نظامی با هدف تحقق آرمان‌های مشروطه، جهت استقرار استقلال و آزادی ایران (۲).

جنگلی‌ها، معتقد بودند که مرامشان منطبق با روح قانون اساسی مشروطه است و از هر حیث، منرفی می‌یابند؛ با وضع ملی و اجتماعی شان، هماهنگی دارد. (۳)

نهضت جنگل، در طی مسیر خود، با فراز و نشیب‌هایی مواجه شد که در تقسیم‌بندی کلی، می‌توان آن را به دو بخش عمده تقسیم کرد: ۱- از شکل‌گیری نهضت، تا بروز رشته درگیری‌های سنگین با انگلیسی‌ها و

رومهای تزاری، که برای سرکوب انقلاب روسیه، قصد رفتن به قفقاز را از طریق گیلان داشتند، قوای دولتی که برای سرکوب نهضت آمده بودند، در طی این مرحله، نهضت، دچار مدمات زیادی شد که از آن جمله، جدا شدن حاج احمد کسمایی و دکتر حشمت باقرنشان از نهضت می باشد.

۲. پس از پاشیده شدن قوای جنگل و مدمات ناشی از جنگهای دشوار و حدایی حاج احمد کسمایی و دکتر حشمت از نهضت، نیروهای جنگل، مجدداً به سازماندهی خود پرداختند و در حرکت روی به پیش خود، به پیوند با روسهای انقلابی رسیدند که منجر به تشکیل جمهوری انقلابی گیلان شد، و حوادث دیگر که سرانجام، مرگ، نهضت را رقم زد.

در این مقاله، تلاشی شده است تا ضمن بررسی نهضت جنگل پس از ورود روسهای انقلابی، به آسیب شناسی و علل شکست آن، که منجر به مرگ آن شد پرداخته شود.

پیوند با روسهای انقلابی

با ورود روسهای انقلابی به سواحل بندر تزاری به بهانه تعیب روسهای سفید، نهضت جنگل، خود را در مرحله ای جدید احیا کرد. نهضت، اینک در موقعیتی قرار گرفته بود که ناگزیر به تعیین نسبت با وضعیت جدید بود. ورود روسهای انقلابی، مایتنه خوشسامی ناشی از سرنگونی تزارها و شعارهای پراکنیز آنده شان، نهضت جنگل را وامی داشت تا نسبت به این رقبای انقلابی، موضعی فعال در پیش گیرد.

میرزا کوچک خان، در اوکین گام، با تازه واردین روس وارد مذاکره شد و از همان ابتدا، تفاهت‌های طبقاتی و ایدئولوژیک ایشان به همراه تحلیلشان از شرایط ایران، بروز یافت. میرزا، بر شرایط ملی، مذهبی ایران ناهکیدی کرد و مصر بود از اشاعه مرام کمونیستی جلوگیری شود. اما طرف مقابل، استبدالات میرزا را کافی نمی دانست و بر اشاعه کمونیسم اصرار داشت. سرانجام، روسهای سرخ، با توجه به تجارب میرزا در زمینه های نهضت در ایران، نظر وی را پذیرفتند. (۴)

قرارداد حاصل از مذاکرات یاد شده، بر اساس محورهای ذیل استوار شد،
۱. عدم اجرای اصول کمونیسم از حیث مصادره اموال و لغای ماتکیت و ممنوع بودن تبلیغات.

۲. تأسیس حکومت جمهوری انقلابی موقت، با چشم انداز فتح تهران
۳. رسمیت شناختن استقلال این حکومت و عدم مداخله شورویها در ایران.

۴. تقصیر در مورد تاهمین مهمات و اسلحه برای این حکومت، از جانب شورویها.

۵. دکالای بازار گنجان ایرانی، که در یادگوبه ضبط شده. تحویل این حکومت شود.

۶. واگذاری کثیه مؤسسات تجاری روسیه در ایران، به حکومت جمهوری. (۵)

بعد از امضای این قرارداد، جنگلیها و روسها، وارد رشت شدند و جمهوری انقلابی گیلان را تأسیس کردند. جمهوری انقلابی گیلان، به طور کلی سه مرحله را پشت سر گذاشت:

۱. از ورود به رشت و تأسیس جمهوری گیلان، تا خروج میرزا کوچک خان

از رشت و وقوع کودتا توسط احسان الله خان و همدستان روسی و ایرانی اش.
۲. از آمدن حیدر عموغلی به ایران و پیوند مجدد در میان نیروهای جنگل، تا واقعه ملأسرا که حیدر خان، خالو قربان و احسان الله خان هدف ترور قرار گرفتند و طی آن، حیدر خان، به اسارت درآمد و نقت، جان سالم به در بردند. (۶)
۳. از واقعه ملأسرا، تا پایان نهضت.

علل پیوند با روسهای انقلابی

علل پیوند نهضت جنگل با روسهای انقلابی را، به طور خلاصه می توان در موارد زیر، تقسیم بندی کرد:

۱. نهضت جنگل، به عنوان حرکتی بومی و ملی، تاریخی انقلابی رویه رو شده بود که به لحاظ قومی، طبقاتی، ایدئولوژیک و تحلیلی شرایط، با آن متفاوت بود. میرزا، سعی کرد از موضع نهضت، با این آترناتیو رابطه برقرار کند.

در طول روابط نهضت با روسهای انقلابی، همواره از جانب نهضت، بر عنصر ملی و بومی تاهکید می شد و تنها از این موضع بود که بین میرزا و روسهای انقلابی، وحدت و باجدهنی پیش می آمد. ناین که این وحدتها و جداییها، به درون نهضت بیوز راه پیدا کرد و جناحی از ایشان، به رهبری احسان الله خان، با روسهای انقلابی همراه ساخت.

۲. بر خود دبار و روسهای انقلابی، به واسطه شعارها و تبلیغاتشان و همجنس، از پای در آوردن تزارهای غدار، ظرفیت خاصی نیاز داشت. یقیناً، می گوید: در ملاقاتی که با میرزا پس از ورود بشوینکها داشته، میرزا، به او گفته است که: «در ایام امپراتوری روس، اگر بر ما فشار می آوردند، ما داد و فریاد کرد، و از افکار عامه دموکراتها و آزادیخواهان دنیا، کمک می خواستیم. ولی اگر از طرف دولت انقلابی روسیه، بر ما فشار بیاورند، ما از هیچکس نمی توانیم کمک بخواهیم. زیرا روسهای انقلابی، خواهند گفت که کلیه اقداماتشان برای پیشرفت انقلاب بین المللی و آزادی ملل کوچک انجام می شود». (۷)

۳. با قدرت گرفتن بشوینکها در روسیه و مجاورنشان با ایران، طبیعی به نظر می رسید که انگلستان، وضعیت ایران را یکسره کرده و برای جلوگیری از اشاعه کمونیسم، از تشکیل حکومتی ضد کمونیسم، که بر سر امر ایران، سیطره داشته باشد، حمایت کند. در این شرایط، دیگر برای نهضت جنگل، ممکن نبود که در مرزهای گیلان و نواحی اطراف آن پراکنده باشد. نهضت، نیازمند کسب موقعیت جدیدی بود تا بر طبق آن، موقعیت خود را در نواحی مهمی از کشور تثبیت کرده و با چشم انداز فتح تهران، به پیش برود. زیرا اگر نهضت، خود را در قامت آترناتیوی ملی عرضه نمی کرد، دیگر امکان تدویم حیات خود را به صورت حرکتی مطلقه ای از دست می داد و قربانی فشار شرایط و معاملات قدرتهای گردید. تشکیل حکومت جمهوری گیلان، با هدف فتح تهران نیز، در همین چارچوب قابل تحلیل است.

۴. جنگل، نتوانست به عنوان آترناتیو ندوام بابد و سرانجام، با ظهور آترناتیو نظامی، ملی، ضد کمونیسم رضاخان، شکست خورد.

۵. پیوند با روسها، خیال نهضت را از بابت تاهمین سلاح آسوده می کرد. در قرارداد اوک کوچک خان با روسهای انقلابی نیز، بر تاهمین سلاح، تاهکید شده است.

شکاف در نهضت جنگل

در کنار تمام الرامتی که جنگل را برای برقراری پیوند با روسهای انقلابی فرامی خواند، از این رهگذر، عواضی نیز دچار نهضت شد. نهضت، پس از تأسیس دولت جمهوری گیلان، به دو بخش، شقه شد: جناحی به رهبری احسان الله خان، به روسهای انقلابی نزدیک شد که در نتیجه این نزدیکی، میرزا از رشت خارج شد و به پایگاه خود در جنگل بازگشت. در می خروج میرزا در رشت کودتایی رخ داد و این بار، احسان الله خان، در رأس جمهوری قرار گرفت.

احسان الله خان، به خاطر نوع تفکر خود، خیلی راحتتر از میرزا توانسته بود با روسهای پیوند بحورد. وی، برخلاف میرزا، مذهبی نبود. (۸) او، در کنار احساسات وطن دوستی و آزادیخواهی و عدالت طلبی، آرزوی اتحاد تمام مثل دیار داشت. (۹) چنین منظومه فکری، در کار حس اعتماد (۱۰) به بنسویکها، او را مستعد نزدیکی به ایشان می گرد.

میرزا کوچک خان، کسی بود که دوست و دشمن، بر باورهای مذهبی (۱۱) و روحیه ناسیونالیستی اش (۱۲) مقرر بود. او، شعار «ایران برای ایرانی» را می داد (۱۳) و روسها، از او دلسرد شده بودند، زیرا او را ایرانی ای ناسیونالیست شناخته بودند. (۱۴)

در کنار تفاوتهای میرزا کوچک و احسان الله خان، که با خراب کردن در بستری مناسب، به حد اعلی، خود را نشان داد. عواضی دیگری نیز موجب این شکاف شد، از جمله: رقابتهای قومی، پایگاههای طبقاتی و شکافهای ایدئولوژیک، که به هر کدام آنها اشاره خواهیم کرد.

بخش یکم - رقابتهای قومی

نهضت جنگل، اگر چه محدود به یک منطقه بود، اما به لحاظ قومی، ترکیب خالص منطقه ای به خود نگرفت. پیش از ورود روسیه شوروی و جمهوری آذربایجان و نه تبع آنها، روسها و آذربای به نهضت، کردها به عنوان گروهی غیر بومی، در آن حضور داشتند. کردها، پیش از پیوستن به نهضت جنگل، به سفر رودخانه و استخر، جهت آبیاری مزارع کشاورزان گیلان اشتغال داشتند. (۱۵) و با همراه بارها، متغول به دست آوردن کثیرا و فروش آن به تجار صادرکننده بودند و پس از شروع نهضت، عده ای از این افراد، به آن پیوستند. (۱۶) غیر از کردها، افرادی از ژاندارمها، که طبیعتاً از گروههای قومی مختلف بودند و آذربایمانند احسان الله خان و حتی اتباع خارجی (مستشاران عثمانی و آلمان) در نهضت حضور داشتند که برخی از آنها، نام ایرانی برای خود برگزیدند، مانند گانوک آلمانی، که اسم ایرانی هوشنگ را انتخاب کرد و تا انتهای نهضت نیز، به همراه میرزا ماند.

با ورود روسهای انقلابی و تشکیل جمهوری گیلان و تقسیم پستهای حکومتی، و با توجه به فارسی رباتی منطقه، زمینه برای کشمکشهای قومی فراهم شد. نگاهی به ترکیب قومی کابینه های تشکیل شده، تا حدودی رقابتهای قومی را آشکار می کند. از نه کمیسر اولین دولت انقلابی، که در هفدهم جوزا ۱۲۹۹م اعلان شد. غیر از یک نفر (حاجی محمد جعفر کنگاوری)، بقیه، گیلانی بودند. (۱۷) در دولتی که پس از کودتا تشکیل شد، بجز یک نفر (سید جعفر) همگی، غیر گیلانی بودند. (۱۸)

این حابه جایی ترکیب قومی در دولت، به عنوان نمونه، بیانگر ارتباطات

و پایگاه قومی، هر کدام از دو جناح نهضت است. جناح میرزا، به واسطه بومی بودنش، به طبع با اهالی گیلان ارتباط بیشتری داشت و هنگامی هم که تشکیل دولت داده اعضایش را از میان نیروهای بومی انتخاب کرد. جناح دیگر نهضت، که در رأس احسان الله خان و خالو قربان دیده می شوند. بیشتر متکی به نیروهای غیر گیلانی و بخصوص کردها بود. (۱۹) فقازها و روسهای پیوسته به نهضت نیز، در همین جناح قرار می گیرند. جناح مذکور، به خاطر پایه های غیر بومی اش، همانند میرزا نمی توانست بسادگی با اهالی ارتباط برقرار کند؛ زیرا همانند او، در منطقه ریشه دار نبود. هر چقدر که میرزا، در پیوند خود با بنسویکها و سواس به خرج می داد و تلاش می کرد تا مرز بندی نیروهای خود را با ایشان حفظ کند، (۲۰) جناح مقابل، در برابر روسها، مرز بندی خاصی برای خود قائل نبود.

بخش دوم - پایگاه طبقاتی نیروها

سطح یکم - وضعیت طبقاتی نهضت، پیش از ورود روسهای انقلابی اغلب اعضای اولیه نهضت جنگل را، کشاورزان گیلانی دارای زمینهای کوچک تشکیل می داد. (۲۱) اما پایه نهضت جنگل، به خرده مالکان محدود نمی شد. با ندام نهضت، طبقات دیگری نیز به آن پیوست و نهضت جنگل، به عنوان حرکتی وسیع المشرب در برابر طبقات، به عرصه آمد. بدنه نهضت جنگل، متشکل از دهقانان به طور عمده، خرده مالکان، سرمایه داران کوچک، کارمندان، و شغفکاران (۲۲) و کارگران (۲۳) بود.

در کنار این افشار، مالکان بزرگ و تجار عمده نیز، به متضای موفعت به آن می پیوستند و یا از آن کناره می گرفتند. زیرا برای این طبقه، حفظ منافع مادی، و دغدغه اصلی محسوب می شد. (۲۴) از این جهت، همواره به دنبال توافق و نزدیکی با قدرت غالب منطقه بودند؛ چونکه ایشان، به لحاظ طبقاتی در چنان موفعت ممتازی قرار داشتند که انجام ریسکهای بزرگ برایشان نامفهوم بود.

شمال ایران و بخصوص منطقه گیلان، به لحاظ اقتصادی و تجاری، ارتباط بسیار نزدیک با روسیه داشت. برای آن منطقه، روسیه نه تنها به عنوان شریک تجاری و رونق بخش زندگی اقتصادی محسوب می شد، بلکه از طریق آن، راه ترانزیت به سمت اروپا نیز گشوده بود. (۲۵)

با شروع انقلاب روسیه و جنگهای داخلی در آن کشور، راه تجارت با روسیه و ترانزیت کالا از انجا، بسته شد. با توجه به رقابت روسهای انقلابی و انگلیسیها، این تصور در ذهن اهالی منطقه شکل گرفت که نمی بایست رفتن انگلیسیها را از گیلان خواست؛ شدتاپس از خارج شدن آنها از گیلان، روسها، راه روسیه را باز کرده و اجازه دهند که محصولات و مواد خام ایران، از اذانه به روسیه حمل گردد. (۲۶)

از جانب دیگر، وجود قرارداد ۱۹۱۹، که از جانب و ثوق الدوله، با انگلیسیها به امضا رسیده بود، به انگلیسیها اجازه دخالت در کلیه امور داخلی ایران را می داد و به قول عمال انقلابیون جنگل، قرارداد نامرده، حکم قباله فروش ایران به انگلستان را داشت. (۲۷)

مجموع این زیانها و شرایط دهنی، تنها طبقات بالا را در بر نمی گرفت، بلکه به طور ضمیمی، به بدنه اجتماع نیز سرریز می کرد. پیش از ورود روسهای سرخ، کلیه ادارات و موسسات دولتی، به واسطه فساد اداری حاکم، حقوق

خود را به موقع نمی‌گرفتند. ژاندارمها، معلمان، نیروهای نظمیه و حتی فئود، همگی شامل این وضعیت بودند. این موضوع نیز، بر تعداد ناراضیان می‌افزود. (۲۸)

در مجموع، ملاحظه می‌شود که شرایط حاکم بر منطقه و کشور، اقتضای طبقات مختلف را مورد ناهماهنگی قرار داده بود. این مجموعه شرایط، زمینه عینی و ذهنی را برای تحریک و رهبری از وضع نامطلوب حاکم، فراهم می‌کرد. در چنین شرایطی بود که روسهای انقلابی، با شعارهای انگیزاننده خود، وارد گیلان شدند.

سطح دو - وضعیت طبقات، پس از ورود روسهای انقلابی

طبقات مرفه، به امید گسسته شدن راه روسیه، جهت رونق اقتصادی گیلان، در برابر ورود روسهای انقلابی، از خود مقاومتی نشان ندادند. اما دغدغه تسلط روسیه‌های اشتراکی بر منطقه و به تبع آن، مصادره اموالشان، اربان را وادار کرد تا با حمایت از میرزا کوچک خان، موضع وی را تقویت کنند؛ زیرا با توجه به شناختی که از کوچک خان داشتند، تصور می‌کردند که وی، اموال ایشان را مصادره خواهد کرد. (۲۹)

صاحبان منافع، هر چند که پیشتر نیز، سابقه پیوند با نهضت جنگل را داشته‌اند، اما با درگوشی شدن شرایط نیز، پیوند گسسته‌اند. این یار نیز، پیوندی برقرار کردند تا در شرایطی دیگر بگسلند؛ چرا که جهتگیری ایشان، تنها و تنها منطبق بر حفظ اساس شرایط اقتصادی موجود بود.

مالکان، تجار و کسبه، همه گونه کمک مالی به سازمانهای میرزا کوچک خان می‌کردند. (۳۰) انگیزه ایشان، علاوه بر تقویت موضع میرزا در برابر روسها و ایرانیهای سرخ، از این جهت بود که فئود را زودتر از گیلان به طرف تهران حرکت کند و راههای جنوب ایران باز شود و باب تجارت نیز، افتتاح گردد. (۳۱)

پایگاه طبقاتی نه کمیسر اولین دولت انقلابی گیلان، که به سرکسری کوچک خان برقرار شد، نشانگر همونی طبقات حاکمی میرزا، در مقطع حضور سرخها و به نوعی، بیانگر بخشی از پایگاه اجتماعی نهضت جنگل می‌باشد.

(جدول شماره ۱)

خانواده روحانی و بزرگ مالک، ۲ نفر
کارمند وزارت امور خارجه، ۱ نفر
پنگاهدان، ۱ نفر
سرخه مالک، ۱ نفر
مالک، ۱ نفر
کارمند تجارتخانه و اجاره‌دار بندر، ۱ نفر

جدول فوق، نشان می‌دهد که در تشکیل اولین دولت انقلابی گیلان، چه طبقاتی توان اعمال عزمی داشتند، حتی می‌توان ادعا کرد که پایگاه اجتماعی کوچک خان نیز، نتوانسته بود همزونی خود را بر این دولت تحمیل کند. هر چند که دولت مذکور، بر اساس ائتلاف نهضت جنگل و روسهای سرخ تشکیل شد، اما ترکیب کمیسرهای آن، متشکل بود از ائتلاف مالکان (به طور عام) دولتیان پوسته به نهضت و تجار و ورود روسهای سرخ و اشتراکیون ایرانی به گیلان،

ایران را وادار می‌کرد تا برای تداوم فعالیت خود پیش در منطقه و اشاعه مرام بلشویسم، پایگاه طبقاتی مناسب خود را بیابند. (۳۲) از آنجایی که در گیلان طبقه کارگران صنعتی وجود نداشت، اشتراکیون، تلاش کردند تا با جذب و سازماندهی زحمتکشان شهری و روستایی، برای حریفی یشتوانه طبقاتی قابل اتکایی بیابند. احسان الله خان، که بین خود و روسهای سرخ، نزدیکیهای احساس می‌کرد، خیلی سریع در کنار ایشان قرار گرفت. وی، در نطقی پس از ورود روسهای سرخ، شعار «ژنده باد انقلابی که زمین به دهقانان می‌دهد» را مطرح کرد. (۳۳) کازانوف نیز، پس از ورود به روستا، علیه سرمایه‌داری سخنرانی کرد. (۳۴) انقلابیون سرخ، پیشبرد مواضع خود را در دامن زمین به مبارزه طبقاتی می‌دیدند. «زور قبیله، صیادان و حملان، روز به روز زیدتر در افرقه عدالت» (۳۵) داخل می‌شدند... عدالتها، میسنگ و تبلیغات را کافی ندانسته، شروع به مسلح کردن دستجات کارگران و ملاحان نمودند. عدله آنها، چند روزه به سیصد نفر رسید. (۳۶)

در ایام انقلاب گیلان، اجتماع بزرگی، متشکل از نمایندگان کشورهای مشرق، جهت پیش بردن امر انقلاب در این کشورها، در باکو برگزار شد. ترکیب ایرانیهای شرکت کننده در این کنگره، که به کنگره شرق موسوم است، دلیل دیگری می‌باشد بر تلاش سرخها، در انتخاب پایگاه طبقاتی خود در منطقه. ایرانیهایی که در کنگره شرق حضور یافتند، عبارت بودند از: ملاحان، کارگران، دلالان و نوگردان. (۳۷) اگر ادعا کرد که از کارگران منطقه محسوب می‌شدند به طور چشمگیری به ارزش سرخ می‌پیوستند. (۳۸) اما حایب توجه اینکه، در پایان کار نهضت و هجوم رضاخان به منطقه، ایشان، نه مانند احسان الله خان به روسیه رفتند و نه همچون کوچک خان، در کوهها پناهنده شدند؛ بلکه به همراه رهبر خود، خاتو قربان، به نیروهای دواتی پیوستند و در کنار ایشان، به سرکوب نهضت جنگل و مستبقی کردیاری رساندند. این عزم موضعگیری، به ما اجازه می‌دهد که ادعا کنیم آنچه که بر ایشان حاکم بود، روحیه قبیله‌گری بوده است.

میرزا کوچک خان، تلاش می‌کرد تا منافع منطقه و اهالی آن را نمایندگی کند، پیوند او با طبقات مختلف، کردها و حتی روسهای سرخ، گواه مدعای ماست. او، هرگز در گسستن پیمانها پیشدستی نمی‌کرد و حتی حاضر بود که طبقات ثروتمند (مالکان بزرگ و تجار بزرگ)، را، با توجه به سابق بیوستان به نهضت و گسستن از آن، که گاه نیز، در چنانچه خیانت ظهور می‌کرد، دوباره بپذیرد. اما در مجموع می‌توان میرزا را، در درجه اول، مدافع منافع دهقانان، خرد سرمایه‌داران مانند بیسه‌وران، و خرده مالکان دانست. (۳۹)

بخش سوم - شکافهای ایدئولوژیک

یکی از عواملی که نهضت جنگل را دچار تفرقه و جدایی کرد، تمایزهای ایدئولوژیک بود که در بین نیروها وجود داشت. در چهار سطح، می‌توان تفاوت ایدئولوژیک میرزا کوچک خان را با جناح مقابلش (بلشویکها، اعم از روس و ایرانی، و احسان الله خان) مورد اشاره قرار داد. جناحهای ایدئولوژیک نهضت، به دو دسته عمده و به ترتیب فوق، تقسیم می‌شوند. نهضت، در مراحل پایانی خود، در این دو جنبه تعیین می‌یافت و در چهار سطح ذیل، دارای مرزبندیهای آشکار بود:

سطح یک، ناسیونالیسم و اشتراک‌پولیسم،

سطح در مذهب بودن و غیر مذهبی بودن یا ضد مذهبی بودن، سطح سه مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی، سطح چهار فهم بر حده ای نهفتگی و فهم غیر بر حده ای آن، در ذیل، به ترتیب، به بررسی هر یک از سطوح یاد شده می پردازیم:

سطح یک - ناسیونالیسم و انتر ناسیونالیسم

میرزا کوچک خان را باید در جناح ناسیونالیسم قرار داد. نه تنها کارنامه او، در برخورد با روسهای سرخ، دارای فاکتورهای بسیاری در این زمینه است، بلکه پیشینه زندگی مبارزاتی اش نیز، گویای این مدعا است. میرزا، در نامه ای که در تاریخ ۲۵ رجب ۱۲۳۶ هـ. ق. از غلیس به دوستانش نوشته است، شرح می دهد که مأم وطن، در گفتگویی معنوی، او را به برنگیختن در برابر نژادی ایران به دست اجانب، فرامی خواند. (۴۰) این روحیه ملی، تا انتها با کوچک خان ماند. میرزا پیش از ورود به رشت، در وعده هایی که به مخاطبان محلی خود می داد، از واژه های «ایرانیان» و «وطن» او، املت استفاده می کرد. (۴۱) بدین طریق، حرکت خود را در چارچوب ملی تلقی می نمود. دوست و دشمن، بر مبنای بودن او تائید می کنند. از انگلستان و روسیه نامه موران دولتی، همگی، او را عنصری ملی می دانند. (۴۲)

یکی از مسائل عمده برای میرزایی اقتصادی به روسهای سرخ بود. زیرا در هر صورت، آنها را بیگانه می دانست. پس از ورود روسهای سرخ، کوچک خان، به طور خصوصی به یکی از یارانانش گفته بود: «خدایا، شاهد است هرگز راضی نیستم با اجانب و خارجیها، در صدد اداره امور وطن و مسکنت باشم.» و تائید کرده بود که شرایط و رسیدن به اهداف، اتحاد با ایشان را الزام کرده است. (۴۳)

در مقابل سرزدها، سرخها فرامی گرفتند که فارابی عقاید انتر ناسیونالیستی بودند. نیروهایی که از میرزا جدا شده و در کنار ایشان قرار گرفتند نیز، فارابی اعتماد بسیار نسبت به روسهای سرخ بودند. (۴۴) حسان الله خان، شاخص این وضعیت بود. (۴۵) تشکیل کنگره شرق، جهت به پیش بردن امر انقلاب مشرق، بزرگترین ادعای انتر ناسیونالیستی روسهای سرخ بود. همچنین، تشکیل اجناب کمونیست در کشورهای دیگر، که با حزب کمونیست شوروی، در پیوندی ارگانیک بودند.

سطح دو - مالکیت خصوصی و مالکیت عمومی

نخستین بند از نخستین قرارداد میرزا کوچک خان با روسهای سرخ، در هنگام ورود به گیلان، عبارت بود از: «عدم اجرائی اصول کمونیسم، از حیث مصادره اموال و انقاع مالکیت...» (۴۶) میرزا، پیش از ورود به شهر رشت و تشکیل دولت انقلابی، وعده حفظ اموال را در دستاورد صاحبانشان داد. (۴۷)

یقیناً، که از نزدیک شاهد حوادث آن دوره بوده است، می گوید: «میرزا کوچک خان و اطرافین نزدیکش، طرفدار مالکیت شخصی بودند و عقیده داشتند که مالک، باید با ارض خود تصرفاتی نماید و او را از سهم خود از حاصل اراضی محروم نکند. ولی عقیده نداشتند که اراضی را باید از مالکین گرفته و بین زارعین تقسیم کنند و همچنین، عقیده نداشتند که کالاهای تجار را گرفته و در انبارهای ملی جمع کنند. و یا به مردم بفروشد و پول آن را برای احتیاجات دولت خرج کنند. کوچک خان، سوسیالیست نبود، ولی طرفدار همراهی و

کسب به مردم و طبقات عاجز و ستمدیده بود» (۴۸) در کتاب پیدایش حزب کمونیست ایران نیز، عنوان شده است، که «میرزا کوچک خان و همکاران او... از اصل مالکیت خصوصی، منقذ است» دفاع می کردند. (۴۹)

جناح مقابل میرزا کوچک خان، در اوگن مذاکرات با وی پیش از پشتر فرار داد، بر اجرای اصول کمونیسم از حیث مصادره اموال و انقاع مالکیت و... تأکید داشتند و به سخنی حاضر به پذیرش طرح نشدن آن در متن قرارداد شدند. (۵۰) ایشان، در سخنرانیهای خود پس از ورود به رشت، بر ضد سرمایه داری (ان) و به نفع نسیم زبیر در میان دهقانان (۵۲) سخن گفتند. حزب عدالت، به دولت شورایی ایران فشار می آورد که بزودی دست به تصرف املاک و ثروت مالکین و سرمایه داران بزند. (۵۳) پس از کودتای بلشویکها و تشکیل دولت جدید به سرکسیری احسان الله خان، لغو امتیازات مالکین و انقاع اصول مملکت الطوری، و رفع احتیاجات اصلی کارگران بوسه و هدایت (۵۴) در برنامه دولت قرار گرفت.

علاوه بر آنکه میرزا کوچک خان، از مالکیت خصوصی دفاع می کرد، توجه به مواد اقتصاد و کار مرانامه جنگلیها، قابل توجه است. موارد اقتصادی و حقوق کار مطرح شده در این مرانامه دارای جهنگیری سوسیالیستی است. در مقدمه این مرانامه، آمده است: «آسایش عمومی و نجات طبقات زحمتکش (زارع، کاسب، کارگر) ممکن نیست مگر به تحصیل آزادی حقوقی و تساوی افراد انسانی عموم فرق و نژاد و مذهب در اصول زندگی و حاکمیت اکثریت». واصله متخیر، پیشرفت این مقاصد را، فرقه اجناب کمونیست به موازاتین تعقیب می نماید. (۵۵) در ماده چهارم این مرانامه، که به اقتصاد تعلق دارد، نوشته است:

۱۲. منابع ثروت از قبیل خالصجات، رودخانه ها، مراتع، جنگلیها، در باها، معادن، طرق و شوارع و کارخانه ها، جزو و علاقه عمومی است.

۱۳. مالکیت اراضی، با ملاحظه ناهمین معیست عمومی، نا حاکمیت تصدین خواهد شد که حاصل آن، عاید تولید کننده شود.

۱۴. ممنوع بودن انحصار و احتکار اراضی و سرمایه.

۱۵. بدین مالکیتهای غیر مستقیم، به سقیم، تدریجاً، (۵۶)

در ماده هشتم، ذیل عنوان کار می حرانیم:

۲۷. ممنوع بودن کار برای اطفالی که سن آنها به ۱۴ اثر سیده باشد.

۲۸. برانداختن اصول بیگاری و مفتخوری، به وسیله ایجاد مؤسسات و تشکیلات، که تولید شغل و کار نماید.

۲۹. ایجاد تکنیر کار خانجات، با رعایت حفظ الصحه کارگران.

۳۰. تمدید ساعات کار در شبانه روز، منتهی به هشت ساعت. استراحت عمومی و اجباری، در هفته یک روز. (۵۷)

در این مرانامه، گرایشهای سوسیالیستی مشاهده می شود. نیک می توان این بر سش را مطرح کرد که موافق حمایت از مالکیت خصوصی و گرایشهای سوسیالیستی میرزا کوچک خان، چگونگی قابل جمع است؛ به این بر سش، در بررسی سطح چهارم (فهم بر حده ای، فهم غیر مرحله ای) پاسخ خواهیم داد. در اینجا، فقط اشاره می کنیم که می توان با استناد به فاکتورهای متعدد، نشان داد که میرزا، از یک برنامه مکتوب شده کوتاه مدت و بلند مدت برخوردار بوده است. تعقیب تحقق گرایشهای سوسیالیستی از جانب وی را، می توان در برنامه دراز مدتش گنجاند.



متناظران خارج شوند، بدون عنایه در کوجه‌ها دیده می‌شدند. در رشت، روحانیون، با تپاس خود از متناظران بیرون می‌آمدند و در کوجه‌ها دیده می‌شدند» (۶۳)

فشار افکار اهالی منطقه بر کمونیستها، که ایشان را بی‌دین و بر ضد اسلام معرفی می‌کرد، ایشان را وادار نمود تا نه وسیله نطقها و میباحثات و مقالات، سعی کنند تا ثابت نمایند که بنشویکها، بر ضد اسلام نبوده و بر عکس، دین اسلام را، از دست بی‌دینها حفظ و محافظه می‌نمایند. (۶۴)

سطح چهارم: فهم مرحله‌ای و فهم غیر مرحله‌ای نهضت

ادعای ما، بر این است که میرزا کوچک خان از طی مسیر نهضت، تا فنی مرحله‌ای داشته است. به این مفهوم که در هر موقعیتی، باید شعارها و موضعگیریهای متناسب با آن مرحله را اتخاذ کرد.

ادعای دیگری که مطرح می‌کنیم، عبارت از این است که جناح مقابل میرزا کوچک خان یعنی کمونیستها و متحدانشان، از نهضت و حرکت، تلفی مرحله‌ای نداشتند (بجز دوره هژمونی حیدرخان عمواوغلی بر حزب کمونیست ایران) به این مفهوم که می‌خواستند تمام اهداف و آرمانهایشان را در اوگن قدم، به شعار و عبیت تبدیل کنند.

حزب کمونیست (حداثت) ایران، در جریان نهضت جنگل، دو مرحله را طی کرد، مرحله نخست، هژمونی «سلطان زاده» بر حزب برقرار بود. در این مرحله، که منطبق با ادعای دوم ماست، حزب کمونیست، تا انجام کودتا و به راه انداختن جنبش «خالص کمونیستی» (۶۵) به پیش رفت اما در مسیر خود، به سد واقعیت شرایط منطقه برخورد کرد و از حرکت باز ماند.

سطح سه - مذهبی بودن و غیر مذهبی یا ضد مذهبی بودن

مذهب، به عنوان خط مرزی میان میرزا کوچک خان و سرخها قرار داشت. میرزا، از پایگاه مذهب در برابر تبلیغ اصول اعتقادی کمونیسم می‌ایستاد. (۵۸) او، تلاش می‌کرد تا نیروهایش به لحاظ اعتقادی، جذب جناح مقابل نشوند. (۵۹) کوچک خان، در عین آنکه یابنده شعار مذهب بود، غیر مذهبیها و ضد مذهبیها را هم تا پیش از آنکه بر او بوردش برند، حتی به عنوان همکاری می‌پذیرفت. (۶۰) مذهبی بودن میرزا، او را دعوت به شرکت در یراتیک، اجتماعی می‌کرد. این ادعا، مبتنی بر کل سیر حرکت میرزا از دوران سرروژه تا لحظه مرگ اوست. مذهبی بودن، برای او تحریک، انقلاب و منافع ملی را تجویز می‌کرد.

یکی از رجال ایران، که با کوچک خان آشنایی داشت، اظهار عقیده می‌کند که: «... و بهمرفته، سرراکی کوچک خان، مردی مذهبی بود که می‌خواست افکار انقلابی را در جامعه مذهب عرضه کند...» (۶۱) در برابر میرزا، سرخها قرار می‌گرفتند که به لحاظ ایدئولوژیک، تلفی مذهبی بودند و از میان نهضت جنگل نیز، افرادی همچون احسان الله خان، که دارای عقاید مذهبی نبودند، جذب ایشان شدند. ایشان، حتی میرزا را هم به کنار گذاشتن مذهب تشویق می‌کردند. (۶۲)

پس از کودتای کمونیستها و سرکمیسر شدن احسان الله خان، روحانیون، در وضعیت دشواری قرار داشتند. یقیناً، می‌گویند: از روحانیون رشت، نسبت به روحانیون انزلی، آزادی بودند و گاهی در کوجه و خیابان دیده می‌شدند و برای ملاقات دوستان و مریدان خود می‌رفتند. در انزلی، روحانیون، از متناظران بیرون نمی‌آمدند و اگر در نتیجه بره‌های پیشامدها، مجبور می‌شدند که از

ادعای سوم ماه مبارک است از اینکه بعد از مواجه شدن سیاستهای حزب کمونیست ایران با شکست که هژمونی «سلطان زاده» جای خود را به هژمونی «حیدر خان عمو اوغلی» داد. حیدر خان، با ارائه تره‌های خود که نشانگر درک صحیح از شرایط ایران بود، بیشترین نزدیکی را با فهم مرحله‌ای کوچک خان از حرکت نهضت نشان داد. حیدر خان نیز، مرحله پیشروی نهضت را، مرحله آزادی بخش ملی می‌دید که در طی آن، می‌بایست انگلیسها را از ایران بیرون راند و ایران را به استقلال سیاسی و اقتصادی رساند. (۶۶)

اگر به مواضع کوچک خان در بعد از ورود روسها دقت شود، ملاحظه می‌گردد، تمامی تلاش وی، بر جلوگیری از دامن زدن به مبارزه طبقاتی و اعتقادی استوار بود. وی، بر عنصر ایرانیّت و اسلامیت، به عنوان مبانی فرهنگی ایرانیان دست می‌گذاشت (۶۷) و می‌گفت: «من، فقط برای حفظ و تأمین شغل، سرمایه، عصمت و مذهب تمام ایرانیان رندگی می‌کنم ... ما، برای خدمت به وطن و ملت حاضر هستیم» (۶۸)

نصراً ما، بر این است که کوچک خان، می‌خواست با آنکه به دو عنصر ایرانیّت و اسلامیت، چتری برای اتحاد مردم در برابر استعمار و استبداد ایجاد کند؛ اما مواضع جناح مقابل وی، مبتنی بر دامن زدن به مبارزه اعتقادی و طبقاتی در کنار مبارزه ضد استبدادی و ضد استعماری بود. ایشان، پس از ورود به رشت، علیه سرمایه‌داری سخنرانی کردند و شعار تقسیم اراضی را سر دادند. اما هنگامی که قدرت را به دست گرفتند، مجبور شدند که موقتا از اعلام اصلاحات ارضی خودداری نمایند. (۶۹)

کوچک خان، مالکوت خصوصی را، در آن مرحله نهضت پذیرفته بود. اما با نگاهی به مرانامه جنگل، متوجه می‌شویم که جهنگریهای سوسیالیستی نیز، در چشم انداز جنگلیها وجود داشته است؛ بخصوص، هنگامی که بر این ادعا مصر می‌شویم که بدانییم پس از انتشار تره‌های حیدر خان و برنامه حداقلی، کوچک خان، موافقت خود را با این برنامه اعلام نمود. (۷۰) نکات قابل توجه اینکه، در این برنامه، بر اصلاحات ارضی به نفع دهقانان و تأمین اجتماعی پس از فتح تهران، تأکید شده بود. (۷۱) مسیر پیش روی کوچک خان و حیدر خان، هرگز پیموده نشد. حیدر خان، در نضادهای داخلی نهضت کشته شد (۷۲) و کوچک خان، در حالی که تنها یک نفر از یارانش، او را همراهی می‌کرد، در کوهها از سرما جان سپرد.

نقش روسهای سرخ، در وضعیت نهضت جنگل

انرا گذارهای شوروی را بر نهضت جنگل، می‌توان در دو سطح مورد بررسی قرار داد:

سطح یک، روابط بین المللی شوروی و در اینجا، مشخصاً با انگلستان؛
سطح دو، روابط شوروی و متحدان ایرانی اش با نهضت جنگل و در اینجا، مشخصاً با طیف کوچک خان.

سطح یک - روابط بین المللی شوروی و در اینجا، مشخصاً با انگلستان
انقلاب روسهای سرخ علیه تزارها، در نهایت منجر به ستیز بین ایران و روسهای سفید و متحدان ایشان، از جمله انگلیس شد. بعد از پیروزی انقلاب در روسیه و تسلط سرخها بر نواحی فقرا، مقابله با هجوم احتمالی انگلیس، به عنوان دغدغه‌ای مهم برای سران انقلاب، مطرح بود. اینک روسهای سرخ،

توانسته بودند انگلیسها و روسهای سفید را، عقب برانند؛ اما سایه انگلستان، کماکان سنگینی می‌کرد.

نقل است، در هنگامی که دولت شوروی، درگیر جنگهای سخت داخلی بود، «در مسکو عقیده بر این بوده که فقط پس از اشغال شمال ایران از طرف قشون سرخ، انگلستان، مجبور به انعقاد قرارداد صلح با دولت شوروی خواهد شد» (۷۳) روسهای سرخ، می‌توانستند با تصرف انزلی، ضمن مهار کردن کشتیهای روسهای سفید، انگلستان را نیز از اصلی‌ترین پایگاهش در دریای مازندران، محروم سازند. (۷۴)

روسهای سرخ، ضمن حضور در نهضت جنگل، بر طبق دستور سران انقلاب روسیه، ماه‌موریت یافتند طوری رفتار نمایند که به انگلیسها فهمانده شود که ایشان میل ندارند در کشورهای خاور و به طور مشخص ایران، بر ضد آنها اقدام نمایند. (۷۵) یکی از سران شوروی، در نامه‌ای به دیگر مسئولان آن کشور به تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۲۰ نوشته است: «... انقلاب سوویتی در شرق، اکنون برای ما عمدتاً به منزله یک وسیله اصلی، معامله دیپلماتیک با انگلستان، امتیاز آور است» (۷۶)

از موارد فوق، می‌توان نتیجه گرفت که هدف روسهای سرخ از ورود به شمال ایران، دور کردن جبهه ضد انقلابیان از متصرفاتشان بود، و دیگر اینکه می‌خواستند با کسب موقعیتی مناسب، ضمن مذاکره با انگلستان، به تثبیت موقعیت خویش بپردازند. روسهای سرخ، سرانجام با انگلیسها به توافق رسیدند و با امضای قرارداد بازرگانی، به هدف بین المللی دست یافتند. روسهای سرخ، در نهایت از حمایت انقلاب گیلان، دست کشیدند.

سطح دو - روابط شوروی و متحدان ایرانی اش با نهضت جنگل و در اینجا، مشخصاً با طیف میرزا کوچک خان

روسها، با حضور در نهضت جنگل، توانستند نهضت را در یک گام تعیین کننده جهت تشکیل دولت جمهوری در شمال ایران، بازی کنند. از طرف مقامات شوروی، تأکید بر بازی رساندن به نهضت بود. این کمکها، به صورت اعزام نیرو، کادرهای سیاسی، در اختیار گذاشتن تسلیحات، حمایت‌های مالی و سیاسی، باید صورت می‌گرفت. (۷۷) در روندی که نهضت با سرخ‌ها طی کرد، سرخ‌ها، کوشیدند تا ضمن اعمال هژمونی خود، نهضت را تسویه کنند. کودتایی که به سرکبیری احسان‌الله خان منجر شد، در همین راستا صورت گرفت. مدتی پس از کودتا، سرخ‌ها مجبور شدند تا با توجه به موقعیت میرزا، انقلاب گیلان و منطقه، به سمت او بپایند و به این طریق، زمینه اتحادی مجدد شکل گرفت. این اتحاد، به واسطه شکافهای درونی نهضت و بی‌اعتمادی حاصل از آنها در بین نیروها، به سرانجام نرسید و در پایان کار نهضت، شوروی دست از حمایت آن برداشت. (۷۸)

به نظر می‌رسد که شوروی، در ضمن دخالت در نهضت، تلاش کرد تا آن را به زیر هژمونی خود درآورد. موفقیت احتمالی شوروی، منجر به تقویت موقعیتش در برابر رقبای جهانی می‌شد. شکست این پروژه، نهضت را به کام مرگ فرستاد؛ بخصوص آنکه شوروی توانسته بود با دخالت در شمال ایران، امتیازات لازم را از رقیب خود، انگلستان، اخذ کند.

در نتیجه، از منقری بین المللی می‌توان گفت که با پیدایش شکاف بین

دولت جدید شوروی و انگلستان، شرایط رشد سریع نهضت تا حد تشکیل دولت فراهم شد. معامله روسهای سرخ و انگلیس برای کاهش شکافها، منجر به قربانی شدن نهضت جنگل گردید. (۷۹)

موقعیت انگلستان، در نهضت جنگل

توفیق نیافتن انگلستان در جلوگیری از تسلط روسهای سرخ بر سرزمین روسیه و نواحی اطراف آن، به انگلستان فهماند با رقیبی جدید روبه‌رو شده است که توان نابودی آن را دست کم در کوتاه مدت ندارد. این بار انگلستان، کوشید تا تحریف را محدود نماید. حضور کمونیست‌ها در شمال ایران و پیوندشان با نهضت جنگل، بر هر اس انگلستان افزود. انگلستان، نگران نفوذ کمونیسم و گسترش انقلاب به نواحی دیگر بود که در این صورت، منافع بسیاری در برابر رقیب از دست می‌داد.

نهضت جنگل، که بر اثر شرایط جدید، موفق به تأسیس جمهوری انقلابی شده بود، انگلستان را به طور طبیعی تحریک می‌کرد تا با آن، کار را یکسره کند. زیرا اگرچه آمدن در برابر نهضت رویه اوج جنگل، می‌توانست رشته امور ایران و سپس دیگر کشورهای منطقه را، از دست انگلستان خارج کند. انگلستان، برای نابودی نهضت، در دو سطح وارد عرصه شد: سطح یک گذار آمدن با دولت شوروی و قطع حمایت آن از نهضت جنگل؛ سطح دو نابودی نهضت به دست عنصر ایرانی.

سطح یک - گذار آمدن با دولت شوروی و قطع حمایت آن از نهضت جنگل

سطح یک، زاد بخش بیسیر، که به شوروی برداشتم، توضیح دادیم. در آنجا اشاره شد که توافق بر سر منافع مشترک بین شوروی و انگلیس، موجب قطع حمایت شوروی از نهضت شد.

سطح دو - نابودی نهضت به دست عنصر ایرانی

انگلستان، در آن مقطع، به ایرانی یکپارچه با حکومتی ضد کمونیسم نیاز داشت. تا بتواند در برابر نفوذ کمونیسم، مقابله کند. وجود جنبشهای منطقه‌ای و نفوذ داخلی، ریسب را برای نفوذ ایدئولوژیهای رقیب و بیرون‌دخالهای رقیب باز می‌گذاشت. همچنین، باید اشاره کرد در صورت عدم سرکوب جنبشهای منطقه‌ای، با هر نوع گرایش در ایران، ممکن بود با گذشت زمان، نیروهای انقلابی حامی سابع ملی، موفق شوند معادله قدرت را در ایران دیگرگون سازند. نهضت جنگل و جنبش حیاباتی، در اواخر کار خود، تلاشهایی برای نزدیکی صورت داده بودند (۸۰) که اگر تحقق می‌یافت، ممکن بود سرپوش ایران، به گونه دیگری رقم بخورد.

دولت انگلستان، با میدان دادن به رضاخان در سرکوب تمامی جنبشهای منطقه‌ای و در آس آنها، نهضت جنگل، از تشکیل دولت مرکزی مقتدر با چهره ملی، نظامی، ضد کمونیسم (۸۱) حمایت کرد. البته، صحیح تر است که به جای عبارت ضد کمونیسم، از عبارت ضد ضد انگلیس به مفهوم ضدیت با هر نیروی ضد منافع انگلیس استفاده شود؛ چه آنکه خود مدعی باشد با اعمالش به آن نتیجه منتهی شود. چهره سه وجهی رضاخان، تا سال ۱۳۲۰ ایران را حفظ کرد. سعادتمان، در ج آسازی در کتاب خود، نشان می‌دهد که سود تجاری فراوانی در طول دوره رفب خان، نصیب مجموع هند و انگلستان (۸۲) شده است.

ایه صمیمه مراجعه شود.

در مجموع، انگلستان، در توافق با شوروی و قطع حمایت آن کشور از نهضت جنگل، و نیز، میدان دادن به فشارهای داخلی بر نهضت، در سرکوب آن نقش ایفا کرد.

چرا نهضت، شکست خورد؟

از جنبه‌های گوناگون به موضوع نهضت جنگل نوجه کرده‌ایم. در ابتدا اشاره شد که تلاش خواهیم کرد تا از پنجره‌های گوناگون، به نهضت نگاه اندازیم. در همین راستا، از نهضت جنگل پیش از ورود روسهای انقلابی و تشکیل جمهوری گیلان شروع کردیم. سپس به بررسی پیوند مار و سف و عمل آن پرداخته شد. بعد از آن، کوشیدیم تا زمینه‌های شکاف را در نهضت نشان دهیم. در ادامه، به نسبتی که روسهای سرخ و انگلیس‌ها، در نهضت دست داشتند، پرداخته شد؛ بخصوص آنکه اشاره رفت که انگلستان در سرکوب مستقیم نهضت جنگل در مرحله پایانی حیات آن، از عنصر ایرانی بهره برد. اینک در انتهای بحث، تلاش بر این است که نوع نگرین مفاصله پیش رو به نهضت جنگل، بیشتر توضیح داده شود تا بتوان از درون آن، به نظر مقاله درباره سبب شناسی نهضت جنگل و علل شکست آن، نزدیکتر شد.

کلینت این بررسی را، می‌توان در دو سطح تقسیم کرد:

سطح یک، متغیرهای داخلی نهضت؛ وضعیت طبقات در منطقه و پایگاه طبقاتی نیروها، اقوام و پایگاه قومی نیروها و ایدئولوژی نیروها، سطح دو، متغیرهای خارجی نهضت؛ شوروی و انگلستان.

بررسی نهضت جنگل در سطوح گوناگون داخلی، حکایتگر شکافهای بسیار جدی در میان این نهضت می‌باشد. شکافهای طبقاتی، قومی و ایدئولوژیک، وقتی که در کنار هم قرار می‌گیرند، نیروی عظیمی برای از هم پاشیدن نهضت جنگل فراهم می‌نمایند. پیوند سه سطح شکاف، رولیتی زا در میان خود بر قرار می‌کند که به عنوان نسبتی نشترا در میان نیروهایی که ایشان را نمایندگی می‌کنند، ظهور و بروز می‌یابد. به عبارتی، در درون نهضت جنگل، شاهد نهضتها و تحركات گوناگون هستیم؛ شوروی، با حمایت از برخی جناحهای درون نهضت یا توافقانش با دولت مرکزی ایران، و انگلستان، با دامن زدنهایش بر این شکافها. انگلستان نیز، با حمایت از افساد نهضت، در اعمال ضربات گوناگون بر تمامیت آن، کل نهضت را به سمت مرگ هدایت می‌کرد. پیوند تمامی عوامل فوق، حکایت از مجموعه شکافهایی دارد که می‌تواند به طور یقین، نهضت مورد بحث را از هستی ساقط کند. شکافهای فوق، خواستار و تا خواسته، در یک روند تعاملی، بر یکدیگر اثر تکمیلی می‌گذاشتند؛ به عنوان مثال، شکاف طبقاتی، هنگامی که به شکاف ایدئولوژیک نیز دچار می‌شد، اثر بیشتری می‌گذاشت؛ و یا شکاف قومی، هنگامی که مرزبندی ایدئولوژیک نیز، آن را همراهی می‌کرد، به شکافی عمیقتر تبدیل می‌شد. حمایت یک قدرت خارجی از جناحی در درون نهضت، بر شدت درگیریها می‌افزود. حملات دولت مرکزی، با زمینه سازی قدرتهای خارجی، عمق اختلافات درون نهضت را بیشتر می‌کرد. توافق قدرتهای خارجی، کل نهضت را بی‌پشتوانه رها می‌کرد. در نتیجه، زمینه برای درگیری، افزونتر می‌شد.

ملاحظه می‌شود که چگونه شکافها، در سطوح مختلف، به یاری هم



۱۶۹ روز به طور کامل عرواق و با وجود خفا، دستگیری شده و با خبری از آشنایان به زندان می‌برند و با احتیاطی کسب اطلاعات می‌توانند به این منابع رجوع کرده و با وقت، صص ۱۶۹ و جنگلی، صص ۳۳۹، ۳۴۸

۱۳۳ روبریکیان، صص ۳۳

۱۶۹ احمداک، صص ۳۷۶

۱۵۷ گنگدک، صص ۲۸۸ و میر فتحعلی، صص ۳۹۱، ۳۹۰

۱۶۹ روبریکیان، صص ۳۵۵ به نقل از رساله تاریخی «سج جهان» صص ۸۸

۱۷۰ میر فتحعلی، صص ۳۹۱ و ۳۹۰، ۳۹۱ و گنگدک، صص ۲۸۸ و روبریکیان، صص ۳۵۵، ۳۵۶

۱۸۰ آلبوری مقاله بیشتر در این مورد، مراجعه شود به: سی باغچه‌های یاد و نمانده‌ها، صص ۳۰۳ و ۳۰۴ و روزنامه شوری و نهضت جنگلی، صص ۳۰۳ و ۳۰۴ و رساله «مجلس شماعیان» در کتاب «نگاهی به روابط شوروی و نهضت جنگلی»

۱۷۹ مصطفی شماعیان، بوی شوروی، نقشی تعیین کننده در شکست نهضت جنگلی تاکی می‌باشد، برای بررسی بیشتر، مروری بر روابط شوروی و نهضت جنگلی، در جرح و شور، به کتاب «نگاهی به روابط شوروی و نهضت انقلابی جنگلی»

۱۸۰ آلبوری، صص ۳۰۳، نقش فرماندهان شوروی و مداخلات تاریخی و اجتماعی آنان، جلد دوم، عرواق، صص ۳۶۱، صص ۳۶

۱۸۰ فرماندهان مدو عیب فدائیان کمونیستی در ایران، صص ۳۳۱ و ۳۳۰

۱۸۰ احمداک، تحت تسلط انگلستان، بود در نتیجه می‌توان گفت: نصب انگلستان شد.

۱۵۵-۱۵۶ صص ۳۲۸

۱۵۷ صص ۳۲۹

۱۵۸ میر فتحعلی، صص ۳۴۳

۱۵۹ جنگلی، شماعیان، دولت جنگلی ایران، دستهای پرورنده شماعیان جنگلی، عرواق، جلد دوم، صص ۳۶۱ و ۳۶۲

۱۶۰ احمداک، صص ۳۹۷ به نقل از اسناد تاریخی «سج آراج دوم» و «تورانس انقلاب» ۱۹۷۴، صص ۳۶۸ و ۳۵۱

۱۶۱ روبریکیان، صص ۳۵۲ به نقل از تاریخ بیست ساله ایران، صص ۳۳۸، صص ۳۵۷

۱۶۲ صص ۳۵۲ به نقل از «روزنامه آزادی‌بخش» اثر ۱۳۵۱

۱۶۳ صص ۳۰۱

۱۶۴ روبریکیان، صص ۳۳۳

۱۶۵ صص ۳۳۳، ۳۳۲

۱۶۶ روبریکیان، صص ۳۰۱

۱۶۷ احمداک، صص ۳۰۱

۱۶۸ میر فتحعلی، صص ۳۴۴، ۳۴۳

۱۶۹ روبریکیان، صص ۳۵۱

۱۷۰ آلبوری، صص ۳۱۱، ۳۱۰

۱۷۱ احمداک، صص ۳۰۶ و ۳۰۸